

Determination of the Role of Need for Cognition and Pre-training Self-efficacy in Prediction of Learning Motivation in Volunteers of the Courses in the University of Isfahan Entrepreneurship Center

Farzaneh Dabbashi. M.A.

Industrial and Organizational Psychology, University of Isfahan

Hamidreza Oreyzi. Ph.D.

Academic member, University of Isfahan

Aboulghasem Nouri. Ph.D.

Academic member, University of Isfahan

Nahid Akrami. Ph.D.

Academic member, University of Isfahan

Abstract

The aim of this study was to examine the role of need for cognition and pre-training self-efficacy in prediction of learning motivation in volunteers of the education courses in the University of Isfahan entrepreneurship center. The research method was correlation. The statistical population included all the volunteers who participated in the courses of the University of Isfahan entrepreneurship center since the establishment of the center until now, but because of lack of access to all of them, the sample (164 people) composed of trainees available in Fall 2012 and Winter 2013. Participants completed the Need for Cognition Scale (Cacioppo, Petty & Kao, 1984), Pre-training Self-efficacy Scale (Quinones, 1995), and Motivation to Learn Scale (Noe & Wilk, 1993). The data analyzed by Pearson correlation coefficient and stepwise regression. The results of the end step of regression analysis showed that variables of pre-training self-efficacy and need for cognition are able to predict learning motivation, and generally explain 37 percent of learning motivation ($P < 0.05$).

Keywords: need for cognition, pre-training self-efficacy, learning motivation, entrepreneurship education.

تعیین نقش نیاز به شناخت و خودکارآمدی پیش‌آموزشی در پیش‌بینی انگیزش یادگیری داوطلبان دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان

فرزانه دباشی*

کارشناس ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه اصفهان

حمیدرضا عریضی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

ابوالقاسم نوری

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

ناهید اکرمی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش نیاز به شناخت و خودکارآمدی پیش‌آموزشی در پیش‌بینی انگیزش یادگیری داوطلبان دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان بود. روش پژوهش رابطه‌ای بود. جامعه آماری همه داوطلبان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان از ابتدای تأسیس تاکنون بود، اما به دلیل نداشتن امکان دسترسی به همه این افراد، نمونه‌ای شامل ۱۶۴ نفر از این کارآموزان که در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ در دسترس بودند، انتخاب شدند. افراد شرکت‌کننده به پرسشنامه‌های نیاز به شناخت (کاسیوپو، پتی و کائو، ۱۹۸۴)، خودکارآمدی پیش‌آموزشی (کوئینونز، ۱۹۹۵) و انگیزش یادگیری (نو و ویلک، ۱۹۹۳) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. یافته‌های گام آخر تحلیل رگرسیون نشان داد که هر دو متغیر نیاز به شناخت و خودکارآمدی پیش‌آموزشی قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری هستند و در مجموع ۳۷ درصد از واریانس انگیزش یادگیری را تبیین می‌کنند ($P < 0.05$).
واژه‌های کلیدی: نیاز به شناخت، خودکارآمدی پیش‌آموزشی، انگیزش یادگیری، آموزش کارآفرینی.

مقدمه

نو و ویلک^{۱۱} (۱۹۹۳) تأکید می‌کنند که نخستین گام در تعیین اینکه یادگیری اتفاق خواهد افتاد یا خیر، خواست و اراده فراگیران است. در حقیقت افراد برای اینکه یاد بگیرند، باید در درجه اول خواهان یادگیری باشند (نو و ویلک، ۱۹۹۳). انگیزه به‌عنوان یکی از مهمترین و محوری‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر فرایند آموزش مطرح شده است، چرا که در غیاب آن، سایر عوامل آموزشی شامل امکانات، تجهیزات و آموزش مناسب عملاً کارایی خود را از دست می‌دهند و کسی برای شرکت در دوره‌های آموزشی زمان صرف نمی‌کند (نو، ۱۹۹۹؛ بختیاری، ۱۳۸۹). انگیزش یادگیری را می‌توان به‌عنوان جهت، تلاش، شدت و پایداری فراگیران تعریف کرد که قبل، حین و پس از آموزش در جهت‌دهی به فعالیت‌های یادگیری نقش دارد و در نهایت تعیین می‌کند که آیا یادگیری اتفاق خواهد افتاد یا خیر (کانفر^{۱۲}، ۱۹۹۱؛ تاننوم و یوکل^{۱۳}، ۱۹۹۲). از دیدگاه نایلور، پریچارد و ایلگن^{۱۴} (۱۹۸۰)، انگیزش یادگیری شامل فرایندهای روان‌شناختی اساسی است که موجب برانگیختگی، جهت و پایداری رفتار می‌شوند. برانگیختگی و پایداری، به زمان و تلاشی که فرد سرمایه‌گذاری می‌کند اشاره دارد و جهت، به رفتارهایی اشاره دارد که سرمایه‌گذاری زمان و تلاش بر روی آنها انجام شده است (نایلور و همکاران، ۱۹۸۰). این دیدگاه به‌خوبی نشان‌دهنده نقش عوامل روان‌شناختی زیربنایی اساسی در انگیزش فراگیران برای یادگیری است، در ادامه به شرح مهمترین این عوامل و شرح متغیرهای انتخابی در این پژوهش خواهیم پرداخت.

خودکارآمدی آموزشی^{۱۵} از مهمترین متغیرهای روان‌شناختی فردی است که در بافت‌های آموزشی ایفای نقش می‌کند و ارتباط تنگاتنگی با انگیزش یادگیری دارد. واژه خودکارآمدی مفهوم اصلی نظریه شناختی اجتماعی بندورا^{۱۶} (۱۹۷۷) محسوب می‌شود و به باور فرد مبنی بر داشتن توانایی برای انجام یک تکلیف خاص اشاره دارد (بندورا، ۱۹۷۷). در محیط‌های آموزشی، خودکارآمدی به‌عنوان عاملی نیرومند در همه مراحل آموزشی عمل می‌کند، همان‌طور که برخی از پژوهشگران آن را هم به‌عنوان پیشاینده آموزشی و هم پیامد

در پاسخ به تغییرات سریع دنیای کسب و کار، آموزش یکی از مهمترین ابزارها به‌منظور ارتقای دانش، مهارت و رفتارهای افراد محسوب می‌شود (گینگرکو، کاروگیتی، سباستیانو و دلا بلا^۱، ۲۰۱۰). سیاستگذاران بر این باورند که دستیابی به سطوح بالای آموزش فقط از طریق آموزش کارآفرینی^۲ امکان‌پذیر است (اوستربگ و وان پراگ^۳، ۲۰۱۰). این‌گونه آموزش‌ها، به فراگیران فرصت می‌دهد که قبل از وارد کردن ایده‌ها و عقاید خود به دنیای واقعی کار، آنها را آزمایش کنند و به اثبات برسانند (مونتسوری^۴، ۲۰۰۶). اهمیت کارآفرینی در خلق ثروت و توسعه جامعه را صاحب‌نظران مختلفی مانند شومپتر^۵ (۱۹۳۴)، مک‌کلند^۶ (۱۹۵۳)، لائو و مک‌میلان^۷ (۱۹۸۸)، سینگ^۸ (۱۹۸۹) و شاور و اسکات^۹ (۱۹۹۱) مورد تأکید قرار دادند (مقیم، ۱۳۸۴). این باور که آموزش کارآفرینی جزئی اساسی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، کشورهای اروپایی را بر آن داشته است که تغییراتی اساسی در نظام آموزشی خود ایجاد کنند. به‌عنوان مثال؛ تغییر نظام دبیرستان‌های ایتالیا در تاریخ ۱۰ فوریه سال ۲۰۰۰ به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهد که در یک دوره محدود مطالبی را در مورد شرکت‌ها یاد بگیرند (احمدپورداریانی، شیخان و رضازاده، ۱۳۸۳). در ایران، اولین دوره آموزش کارآفرینی در سال ۱۳۸۳ در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، با عنوان «مدیریت بازرگانی - گرایش کارآفرینی» برگزار شد. در سال ۱۳۸۵ دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، با همکاری وزارت علوم، وزارت کار و دانشگاه تهران راه‌اندازی گردید. البته قبل از اینها مراکز کارآفرینی دانشگاهی، حوزه کارآفرینی وزارت کار، شهرداری و غیره تأسیس شده بودند و در خصوص آموزش کارآفرینی فعالیت می‌کردند (خان‌جزنی، ۱۳۸۶). در ایران، آموزش کارآفرینی فقط برای کسانی صورت می‌گیرد که به‌صورت داوطلبانه جذب این مراکز می‌شوند و پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که ویژگی بسیار مهم در این‌گونه افراد انگیزش یادگیری^{۱۰} است که عوامل زیربنایی روان‌شناختی بسیاری در شکل‌گیری آن نقش دارند (دباشی، ۱۳۹۲).

1. Giangreco, Carogati, Sebastiano & Della Bella
3. Oosterbeek & Van Praag
5. Schumpeter
7. Low & MacMillan
9. Shaver & Scott
11. Noe & Wilk
13. Tannenbaum & Yukl
15. training self-efficacy

2. entrepreneurship education
4. Montessory
6. McClelland
8. Singh
10. learning motivation
12. Kanfer
14. Naylor, Pritchard & Ilgen
16. Bandura

کاسیوپو، پتی، فنستاین و جرویس^{۱۱}، ۱۹۹۶؛ پتی و کاسیوپو، ۱۹۸۶، دباشی، ۱۳۹۲). بر این اساس، این متغیر در آموزش‌های کارآفرینی نقش مهمی دارد و در درجه نخست انگیزش یادگیری داوطلبان را دو چندان می‌کند.

با توجه به اهمیت خودکارآمدی و نیاز به شناخت، در فرایندهای آموزشی و با توجه به یافته‌های پژوهش‌های پیشین و نیز با در نظر گرفتن این موضوع که تاکنون این دو متغیر به صورت همزمان و در ارتباط با انگیزش یادگیری در محیط‌های کارآفرینی چه در داخل و چه در خارج از کشور، مورد پژوهش قرار نگرفته است، هدف از این پژوهش تعیین نقش خودکارآمدی پیش‌آموزشی و نیاز به شناخت در پیش‌بینی انگیزش یادگیری در کارآموزانی است که به صورت داوطلبانه جذب مراکز آموزشی کارآفرینی می‌شوند. فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱- نیاز به شناخت قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری است. ۲- خودکارآمدی پیش‌آموزشی قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: طرح این پژوهش از نوع رابطه‌ای است. جامعه آماری همه داوطلبان شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان از ابتدای تأسیس تاکنون بود، اما به دلیل نداشتن امکان دسترسی به همه این افراد و نیز انتخاب تصادفی از بین آنها، نمونه‌ای شامل ۱۶۴ نفر از این کارآموزان که در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ در دسترس بودند، انتخاب شدند. در پژوهش‌های آموزشی به دلیل ماهیت آن معمولاً همه اعضای یک نمونه بررسی می‌شود. در این پژوهش نیز نمونه مورد نظر در بازه زمانی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ به صورت خوشه‌ای در دسترس انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. عنوان‌های دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان عبارت بود از: برندسازی، تدوین طرح کسب و کار، مدیریت دانش و بورس. تعداد پرسشنامه‌های ارسال شده ۲۰۰ پرسشنامه بود که با بازگشت ۰/۸۲ در این پژوهش، ۱۶۴ پرسشنامه بازگردانده شد. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۲۴/۵۷ سال و انحراف معیار سن آنها ۵/۸۶۱ بود، که ۳۹ درصد مرد و ۶۱ درصد زن بودند. میزان تحصیلات آنها به ترتیب شامل ۴۵/۱ درصد لیسانس، ۵۱/۲ درصد فوق‌لیسانس و ۳/۷ درصد دکتری بود.

آموزشی در نظر می‌گیرند (تاننبوم، متیو، سالاس و کالن باورز^۱، ۱۹۹۱). خودکارآمدی به‌عنوان پیش‌بیننده آموزشی را خودکارآمدی پیش‌آموزشی^۲ می‌نامند. از آنجایی که خودکارآمدی بر عملکردهای متفاوت انسان تأثیر مثبت می‌گذارد، به نظر می‌رسد که در زمینه کارآفرینی نیز تأثیرات مشابهی داشته باشد (مارکمن و بارون^۳، ۲۰۰۳). پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که خودکارآمدی به گونه موفقیتهای آموزشی، کارآفرینان را از غیرکارآفرینان متمایز می‌کند (چن، گرین و کریک^۴، ۱۹۹۸) و بنابراین به‌عنوان یک متغیر مهم هم در برانگیختگی و هم در موفقیت‌های بعدی افراد، ایفای نقش می‌کند. دباشی (۱۳۹۲) در پژوهشی در زمینه آموزش کارآفرینی دریافت که خودکارآمدی پیش‌آموزشی ارتباط نزدیکی با انگیزش یادگیری در فراگیران دارد و به‌طور معناداری قادر به پیش‌بینی اثربخشی آموزش کارآفرینی است. به‌علاوه یافته‌های دیگر پژوهشگران نیز ارتباط و تأثیر خودکارآمدی بر انگیزه یادگیری را تأیید می‌کند (به‌عنوان مثال؛ کوئینونز^۵، ۱۹۹۵؛ کالکوئیت، لی‌پاین و نو^۶، ۲۰۰۰؛ تریسی، هینکین^۷، تاننبوم و متیو، ۲۰۰۱؛ بختیاری، ۱۳۸۹).

از دیگر متغیرهای روان‌شناختی مهم در فرایندهای آموزشی که ارتباط نزدیکی با انگیزش یادگیری و فعالیت‌های کارآفرینانه دارد، متغیر نیاز به شناخت^۸ است. نیاز به شناخت عبارت است از «نیاز به سازماندهی موقعیت‌های مربوط به معنایی و روش‌های یکپارچه‌سازی اطلاعات، نیاز به دانستن و منطقی ساختن تجارب زندگی» (کوهن، استوتلند و ولف^۹، ۱۹۵۵، ص ۲۹۱). این مفهوم را می‌توان نوعی علاقه و گرایش برای برطرف کردن نیاز علمی دانست (کاسیوپو و پتی^{۱۰}، ۱۹۸۲). این افراد به‌صورت خود به خود و ذاتی برای شرکت در فعالیت‌های شناختی پرتلاش، برانگیخته می‌شوند و بیشترین تلاش خود را برای برطرف کردن این نیاز خود به‌کار می‌گیرند. آموزش و به‌خصوص آموزش کارآفرینی مجالی برای شرکت در فعالیت‌هایی که از نظر شناختی نیاز به انرژی فراوانی دارند فراهم می‌آورد. به گفته کاسیوپو و پتی (۱۹۸۲)، افرادی که از نظر این نیاز در سطوح بالایی قرار دارند، انگیزش بیشتری برای شرکت در دوره‌های آموزشی دارند و از این طریق نیاز خود به دانستن را مرتفع می‌کنند. یافته‌های دیگر پژوهش‌های پیشین نیز نشان‌دهنده وجود رابطه قوی و معنادار بین این ویژگی و روان‌شناختی فردی و انگیزش یادگیری است (به‌عنوان مثال؛

1. Mathieu, Salas & Cannon-Bowers
3. Markman & Baron
5. Quinones
7. Tracey & Hinkin
9. Cohen, Stotland & Wolfe
11. Feinstein & Jarvis

2. pre-training self-efficacy
4. Chen, Greene & Crick
6. Colquitt, LePine & Noe
8. need for cognition
10. Cacioppo & Petty

ابزار سنجش

مقیاس نیاز به شناخت^۱: این پرسشنامه، از مقیاس ۱۸ سؤالی نیاز به شناخت کاسیوپو، پتی و کائو^۲ (۱۹۸۴) اقتباس شد و پرسشنامه کوتاه شده ۹ سؤالی آن است. این ۹ سؤال از مقیاس اصلی به گونه‌ای اقتباس شده است که بیشترین همخوانی را با شرایط کارآموزان مراکز کارآفرینی داشته باشد. در این پرسشنامه هر سؤال در قالب طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (= ۰ بسیار مخالفم تا ۶ = بسیار موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. مطالعات متعدد شواهدی دال بر روایی^۳ این پرسشنامه گزارش کرده‌اند (کاسیوپو و همکاران، ۱۹۸۴؛ توتن و بونسجاک^۴، ۲۰۰۱). کاسیوپو و همکاران (۱۹۸۴) پایایی^۵ درونی این مقیاس را با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند. در این پژوهش پایایی درونی این پرسشنامه کوتاه شده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۴۶ به دست آمد. یک نمونه از سؤالات این مقیاس عبارت است از: «یادگیری شیوه‌های جدید فکر کردن مرا به هیجان می‌آورد». مقیاس خودکارآمدی پیش‌آموزشی^۶: کوئینوز (۱۹۹۵) این پرسشنامه را از مقیاس خودکارآمدی پیش‌آموزشی ساخت و ۱۰ سؤال دارد. هر سؤال در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (بسیار مخالفم = ۱ تا بسیار موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود. مطالعات متعدد شواهدی دال بر روایی این پرسشنامه گزارش کرده‌اند (کوئینوز، ۱۹۹۵؛ اسپروز^۷، ۲۰۰۳، بختیاری، ۱۳۸۹). بختیاری (۱۳۸۹) پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ گزارش کرده است. در این پژوهش پایایی درونی این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۸۸ به دست آمد. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه عبارت است از: «فکر می‌کنم یاد گرفتن محتوای این دوره آموزشی برایم آسان‌تر از دیگران است».

پرسشنامه انگیزش یادگیری^۸: این پرسشنامه، را نو و ویلک^۹ (۱۹۹۳) ساختند و ۸ سؤال دارد. هر سؤال در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (بسیار مخالفم = ۱ تا بسیار موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود. مطالعات متعدد شواهدی دال بر روایی این پرسشنامه گزارش کرده‌اند (نو و ویلک، ۱۹۹۳؛ اسپروز، ۲۰۰۳). نو و ویلک (۱۹۹۳) پایایی درونی این مقیاس را با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، برابر با ۰/۸۷ گزارش نموده‌اند. در این پژوهش پایایی درونی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۰۱ به دست آمد. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه عبارت است از: «تا حد توان سعی می‌کنم در این دوره آموزشی مطلب بیاموزم».

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، در ابتدای هر دوره آموزشی، پژوهشگر نیم ساعت قبل از آموزش، اعضای نمونه را از نظر اهداف پژوهش و محرمانه ماندن پاسخ‌هایی که به پرسشنامه خواهند داد توجیه می‌کرد، سپس آنها به پرسشنامه‌های توزیع شده پاسخ می‌دادند. در نهایت به دلیل ماهیت پژوهش‌های روان‌شناختی و جلوگیری از اثر تعاملی آموزش‌ها، داده‌های مربوط به افرادی که در چندین دوره آموزشی شرکت می‌کردند، از تحلیل‌ها خارج شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام با کاربرد نرم‌افزار SPSS²¹ استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی در قسمت ویژگی‌های شرکت‌کنندگان شرح داده شد. در جدول ۱ همبستگی درونی متغیرهای پژوهش با یکدیگر، آورده شده است.

جدول ۱- همبستگی درونی متغیرهای پژوهش با یکدیگر

متغیرها	نیاز به شناخت	خودکارآمدی پیش‌آموزشی	انگیزش یادگیری
نیاز به شناخت	۱		
خودکارآمدی پیش‌آموزشی	۰/۱۲۶	۱	
انگیزش یادگیری	۰/۳۳۲**	۰/۵۴۴**	۱

P < ۰/۰۱**

1. Need for Cognition Scale
3. validity
5. reliability
7. Spiros
9. Noe & Wilk

2. Kao
4. Tuten & Bonsjak
6. Pre-training Self-efficacy Scale
8. Learning Motivation Scale

جدول ۲- نتایج گام آخر تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی انگیزش یادگیری با استفاده از متغیرهای خودکارآمدی پیش‌آموزشی و نیاز به شناخت

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	β	sig	t	sig
انگیزش	خودکارآمدی پیش‌آموزشی	۰/۵۴۴**	۰/۳۶۷	۴۶/۶۱۵**	۰/۵۱۰	۰/۰۱	۸/۰۷۴**	۰/۰۱
یادگیری	نیاز به شناخت	۰/۶۰۶**			۰/۲۶۸	۰/۰۱	۴/۲۳۶**	۰/۰۱

** P < ۰/۰۱

پتی (۱۹۸۲) در توجیه یافته خود بیان می‌کند؛ هرچه افراد از نظر نیاز به شناخت در سطح بالاتری قرار داشته باشند، از درگیری ذهنی با تکالیف چالش‌برانگیز لذت می‌برند و همواره موقعیت‌هایی را انتخاب می‌کنند تا از تنش فکری آنها بکاهد. تبیین احتمالی وجود این رابطه نیز ممکن است همین موضوع باشد؛ آموزش‌های کارآفرینی چون عنوان‌ها و محتوایی غیر از دروس تدریس‌شده رسمی در دانشگاه دارد، افراد با کنجکاوی شناختی را به خود جذب می‌کند و تمایل برای یادگیری را در آنان برمی‌انگیزاند.

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که خودکارآمدی پیش‌آموزشی قادر به پیش‌بینی معنادار انگیزش یادگیری است (جدول ۲)، بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کوئینونز (۱۹۹۵)، کالکوئیت و همکاران (۲۰۰۰)، تریسی و همکاران (۲۰۰۱) و بختیاری (۱۳۸۹) همخوانی دارد. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) در مورد رابطه بین خودکارآمدی پیش‌آموزشی و انگیزش آموزشی این توجیه را ارائه می‌دهد؛ از آنجا که افراد دارای خودکارآمدی بالا به احتمال بیشتر به پیامدهای مطلوب پایداری، جهت و شدت تلاش می‌اندیشند، بنابراین به احتمال بیشتری برانگیخته خواهند شد. وی بیان می‌دارد که افراد دارای خودکارآمدی بالا در ابتدا از طریق انتظارات پیامد، برانگیخته می‌شوند. پیامدهای مطلوب قوی این‌گونه افراد را برای شرکت در جلسات آموزشی برانگیخته می‌کنند. بندورا در پژوهشی دیگر به این نتیجه رسید که خودکارآمدی و انتظارات پیامد، هر دو ممکن است بر انگیزه یادگیری تأثیر بگذارند، اما تأثیر خودکارآمدی بیشتر است، چرا که خودکارآمدی شامل قضاوت‌های فرد در مورد توانمندی‌اش برای ایفای نقش در موقعیت‌های به‌دست آمده است و فرد از این طریق می‌تواند پیامدهای مورد انتظار را پیش‌بینی کند و بنابراین برای شرکت در جلسات آموزشی و یادگیری انگیزه قوی‌تری داشته باشد (بندورا، ۱۹۸۶).

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، نیاز به شناخت با انگیزش یادگیری رابطه مثبت معناداری دارد (P < ۰/۰۱). به علاوه نتایج نشان می‌دهد که خودکارآمدی پیش‌آموزشی نیز با انگیزش یادگیری رابطه مثبت معناداری دارد (P < ۰/۰۱).

به‌منظور پیش‌بینی انگیزش یادگیری با استفاده از متغیرهای روان‌شناختی نیاز به شناخت و خودکارآمدی پیش‌آموزشی، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

نتایج گام آخر تحلیل رگرسیون گام به گام نشان می‌دهد که متغیر خودکارآمدی پیش‌آموزشی با ضریب بتای ۰/۵۱۰ به‌صورت معناداری قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری داوطلبان آموزش کارآفرینی است (P < ۰/۰۱)، بر این اساس فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که نیاز به شناخت نیز با ضریب بتای ۰/۲۶۸ به‌صورت معناداری قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری داوطلبان آموزش کارآفرینی است (P < ۰/۰۱)، بر این اساس فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود. مقدار ضریب تبیین (R²) گام آخر برای متغیرهای خودکارآمدی پیش‌آموزشی و نیاز به شناخت ۰/۳۶۷ است، این نشان می‌دهد که نزدیک به ۳۷ درصد از واریانس انگیزش یادگیری را متغیرهای خودکارآمدی پیش‌آموزشی و نیاز به شناخت تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش تعیین مؤلفه‌های روان‌شناختی مرتبط با انگیزش یادگیری در داوطلبان دوره‌های آموزشی مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به شناخت قادر به پیش‌بینی معنادار انگیزش یادگیری است (جدول ۲)، بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید شد. این نتایج با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کاسیوپو و پتی (۱۹۸۲)، کاسیوپو، پتی، فنستاین و جرویس (۱۹۹۶)، پتی و کاسیوپو (۱۹۸۶) و دباشی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. کاسیوپو و

به شناسایی، جذب و شکوفایی افرادی که انگیزش یادگیری فراوانی دارند کمک کنند و بحث کارآفرینی را در کشور به یک امر مهم و مفید تبدیل نمایند. به‌علاوه به دست‌اندرکاران امر آموزش کارآفرینی و سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که به جنبه‌های فراشناخت توجه ویژه مبذول دارند و همچنین برای شناساندن هرچه بیشتر جنبه‌های گوناگون کارآفرینی به دانشجویان و ایجاد انگیزه یادگیری در آنان تلاش نمایند. به‌علاوه برنامه‌های آموزشی را به‌گونه‌ای با اصول یادگیری طراحی کنند که به ارتقای خودکارآمدی افراد کمک کند. این پژوهش دو محدودیت عمده دارد که بهتر است تعمیم نتایج با توجه به آنها صورت گیرد؛ اول اینکه به‌دلیل کمبود زمان و دسترسی نداشتن به دیگر دوره‌های آموزشی، داوطلبان تعداد دوره‌های محدودی را مورد سنجش قرار داده است، و ثانیاً افراد داوطلب در مورد محتوای مورد تدریس اطلاعات اندکی دارند و همین امر تا حدودی انگیزه یادگیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

منابع

احمدپور داریانی، م؛ شیخان، ن؛ رضازاده، ح. (۱۳۸۳). *تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

بختیاری اسفندقه، ف. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان برخی ویژگی‌های فردی، آموزشی و سازمانی با پیامدهای آموزشی در شرکت گاز استان اصفهان و ارائه الگوی پیشنهادی ارزشیابی و اثربخشی آموزشی. پایان‌نامه دکترا چاپ نشده. دانشگاه اصفهان.

خان جزینی، ج. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور. *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، شماره ۱۱ و ۱۰، ۲۶۵-۲۴۲.

دباشی، ف. (۱۳۹۲). تعیین رابطه برخی ویژگی‌های شناختی و انگیزشی فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با پیامدهای آموزشی در میان کارآموزان مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان و ارائه الگوی پیشنهادی اثربخشی آموزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه اصفهان.

مقیم، س.م. (۱۳۸۴). *کارآفرینی در سازمان‌های دولتی*. تهران: نشر فراندیش.

به‌علاوه، یافته‌های پژوهش نشان دادند که متغیرهای خودکارآمدی پیش‌آموزشی و نیاز به شناخت، در مجموع ۳۷ درصد از انگیزش یادگیری را پیش‌بینی می‌کنند (جدول ۲). در الگوی این رگرسیون متغیر نیاز به شناخت، بعد از خودکارآمدی پیش‌آموزشی قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری است. بر طبق نظریه فراشناخت دانش فرد در مورد فرایندهای شناختی خود و نتایج آنها و هر چیزی که با آنها در ارتباط است، با خودتنظیمی فرد در رابطه با برنامه‌ریزی، بازبینی و اصلاح شناخت‌ها یا راهبردهای شناختی و در نتیجه انگیزش یادگیری ارتباط خواهد داشت (فلاول، ۱۹۷۹). در این پژوهش، بخش اعظمی از تبیین انگیزش یادگیری ابتدا با متغیر خودکارآمدی پیش‌آموزشی انجام شده است و پس از آن نیاز به شناخت که با فراشناخت در ارتباط است و اطلاعاتی راجع به خود به فرد می‌دهد، قادر به پیش‌بینی انگیزش یادگیری است. این یافته‌ها با اعتقادات فلاول در زمینه نقش فراشناخت در یادگیری، همخوانی دارد. خودکارآمدی پیش‌آموزشی از ادراک فرد در مورد توانایی‌اش برای یادگیری سخن می‌گوید و فراشناخت از دانش فرد در مورد پیچیدگی‌های شناختی‌اش و اینکه در نهایت چقدر می‌تواند در عمل موفق عمل کند، اطلاعاتی به وی می‌دهد (فلاول، ۱۹۷۹). نظریه فلاول به‌خوبی توجیه‌کننده این یافته در این پژوهش است.

با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش و با توجه به این موضوع که سازه‌های نیاز به شناخت و خودکارآمدی پیش‌آموزشی در ابتدا یک ویژگی روان‌شناختی فردی است و ارتباط نزدیکی با انگیزش یادگیری و حضور در جلسات آموزشی دارد، می‌توان قسمتی از سرمایه اولیه برای جذب آموزش کارآفرینی را برای پیش‌بینی افراد و دانشجویانی انجام داد که از نظر این دو ویژگی در سطوح بالایی قرار داشته باشند. در درجه دوم باید به این مسأله توجه کرد که برنامه‌های آموزش کارآفرینی در حقیقت باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که این‌گونه افراد را جذب خود کنند و آنان را در مسیر شکوفایی استعدادهایشان یاری رسانند. با توجه به یافته‌های دیگر پژوهشگران مبنی بر اهمیت بسیار زیاد انگیزش در بحث یادگیری و اثربخشی آموزش (نو، ۱۹۹۹؛ بختیاری، ۱۳۸۹؛ دباشی، ۱۳۹۲)، باید زمینه‌ای را فراهم کرد که هم به ویژگی‌های روان‌شناختی افراد توجه شود و هم اینکه شرایط را برای استمرار حضور این افراد در حوزه کارآفرینی فراهم نماید. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که ویژگی‌های روان‌شناختی دیگری را مورد سنجش قرار دهند و از این طریق

- Cacioppo, J.T., Petty, R.E., Feinstein, J.A., & Jarvis, W.B.G. (1996). Dispositional differences in cognitive motivation: The life and times of individuals varying in need for cognition. *Psychological Bulletin*, 119, 197-253.
- Cacioppo, J.T., Petty, R.E., & Kao, C.F. (1984). The efficient assessment of need for cognition. *Journal of Personality Assessment*, 48, 3, 306-307.
- Chen, C.G., Greene, P.G., & Crick, A. (1998). Does entrepreneurial self-efficacy distinguish entrepreneurs from managers? *Journal of Business Venturing*, 13, 295-316.
- Cohen, A.R., Stotland, E., & Wolfe, D.M. (1955). An experimental investigation of need for cognition". *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 51, 291-294.
- Colquitt, J.A., LePine, J.A., & Noe, R.A. (2000). Toward an integrative theory of training motivation: A meta-analytic path analysis of 20 years of research. *Journal of Applied Psychology*, 85, 678-707.
- Flavell, J. (1979). Metacognition and cognitive monitoring. *American Psychologist*, 34, 906-911.
- Giangreco, A., Carugati, A., Sebastiano, A., & Della Bella, D. (2010). Trainees' reactions to training: Shaping groups and courses for happier Trainees. *The International Journal of Human Resource Management*, 21, 2468-2487.
- Kanfer, R., (1991). Motivation theory and industrial and organizational psychology. In M.D. Dunnette & L.M. Hough (Eds.), *Handbook of industrial and organizational psychology* (Vol. 1, pp.75-170). Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Markman, G.D., & Baron, R.A. (2003). Person-entrepreneurship fit: Why some people are more successful as entrepreneurs than others. *Human Resource Management Review*, 13, 281-301.
- Montessori, C. (2006). *The entrepreneurship high scholl challenge*, Northern Kentucky University's fifth third bank entrepreneurship institute.
- Naylor, J.C., Pritchard, R.D., & Ilgen, D.R. (1980). *A theory of behavior in organizations*. Orlando, FI: Academic.
- Noe, R.A. (1999). *Employee training and development*. New York, NY: McGraw-Hill.
- Noe, R.A., & Wilk, S.L. (1993). Investigation of the factors that influence employees' participation in development activities. *Journal of Applied Psychology*, 78, 291-302.
- Oosterbeek, H., & Van Praag, M. (2010). The impact of Entrepreneur education on entrepreneurship skills and motivation, *European Economic Review*, 54, 442-454.
- Petty, R.E., & Cacioppo, J.T. (1986). *Communication and persuasion: Central and peripheral routes to attitude change*. New York: Springer-Verlag.
- Quinones, M.A. (1995). Pre-training context effects: Training assignment as feedback. *Journal of Applied Psychology*, 80, 226-236.
- Spiros, R.K. (2003). Individual difference in motivation during distance training: The influence of goal orientation and self-efficacy on learning outcomes. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Washington University.
- Tannenbaum, S.I., & Yukl, G. (1992). Training and development in work organizations. *Annual Review of Psychology*, 43, 399-441.
- Tannenbaum, S.I., Mathieu, J.E., Salas, E., & Cannon-Bowers, J.A. (1991). "Meeting trainees' expectations: The influence of training fulfillment and the development of commitment, self-efficacy, and motivation". *Journal of Applied Psychology*, 76, 759-769.
- Tracey, B., Hinkin, T.R., Tannenbaum, S.I., & Mathieu, J.E. (2001). The influence of individual characteristics and the work environment on varying levels of training outcomes. *Human Resource Development Quarterly*, 12, 5-23.
- Tuten, T.L., & Bosnjak, M. (2001). Understanding differences in web usage: The role of need for cognition and the five factor model of personality. *Social Behavior and personality*, 29, 391-398.